

Innovation and Transformation in Philosophy Curriculum Planning and Its Role in the Artistic Creativity of Upper Elementary Students

Majid Etemadi Mehr¹, Somayeh KhariArani², Samaneh Mohammadzadeh³, Mohammad Javad Taleifard⁴

¹ PhD, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). khari322_m@yahoo.com

² PhD, Department of Quran and Hadith, University of Sciences and Hadith, Qom, Iran. s.khariaarani@yahoo.com

³ Master's Degree, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. rhoda@chmail.ir

⁴ Master's Degree, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. manyantazer110@gmail.com

Abstract

The aim of the present study was to examine the teaching of philosophy and its role in the creativity and artistic thinking of upper elementary students. The research approach was quantitative, and the research method was quasi-experimental, including pre-test, post-test, and control group. The statistical population included all sixth-grade female students in District 4 of Qom city who were studying in the academic year 1402-1401. The statistical sample consisted of two classes: one class taught using a specific method (experimental group: 30 students) and another class taught using traditional methods (control group: 30 students), subjected to the Shapiro-Wilk and Levene's tests. Convenience sampling was used to select the statistical sample. Research data were analyzed at both descriptive and inferential levels using SPSS software version 23. The results showed that teaching philosophy in upper elementary schools led to the improvement of three dimensions of artistic creativity, namely curiosity and courage, modeling and ideation, and students' innovation. However, no such effect was observed for the dimension of imagination and aesthetics. Additionally, the levels of students' artistic thinking dimensions, including artistic precision, artistic questioning, self-expression and artistic attitude, utilization of imagination, innovation, and artistic creativity, were enhanced following philosophy instruction. The results of the main hypothesis test indicated that teaching philosophy in upper elementary schools leads to the improvement of students' creativity and artistic thinking.

Keywords: Philosophy Education, Creativity, Artistic Thinking, Students, Upper Elementary, Girls, Qom City.

نوآوری و تحول در برنامه‌ریزی درسی فلسفه و نقش آن در خلاقیت هنری دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی^۲

مجید اعتمادی مهر^۱، سمیه خاری آرائی^۲، سمانه محمدزاده^۳، محمدجواد طالعی فرد^۴

^۱ دکتری، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، khari322_m@yahoo.com

^۲ دکتری، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و حدیث، قم، ایران. s.khariani@yahoo.com

^۳ کارشناسی ارشد، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. rhoda@chmail.ir

^۴ کارشناسی ارشد، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. manyantazer110@gmail.com

چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی آموزش فلسفه و نقش آن در خلاقیت و تفکر هنری دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی است. رویکرد پژوهش به صورت کمی بوده، و روش تحقیق شبه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمایش، پس‌آزمایش و گروه کنترل می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی دخترانه ناحیه (۴) شهر قم بود، که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری دو کلاس بود که یک کلاس به شیوه خاص (گروه آزمایش: ۳۰ دانش‌آموز) و کلاس دیگر به شیوه سنتی (گروه کنترل: ۳۰ دانش‌آموز) تحت آزمون شاپیرو-ویلک و آزمون لون قرار گرفتند. برای انتخاب نمونه آماری از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم منجر به بهبود سطح سه بعد از خلاقیت هنری یعنی کنجکاوی و جسارت، الگوبرداری و ایده‌پردازی و نوآوری دانش‌آموزان شد. اما برای بعد تخیل و زیبایی‌شناسی، چنین اثری مشاهده نگردید. همچنین سطح ابعاد تفکر هنری دانش‌آموزان یعنی دقت هنری، پرسشگری هنری، ابزار وجود و نگرش هنری، بهره‌مندی از تخیل، نوآوری و خلاقیت هنری، به دنبال آموزش فلسفه ارتقاء یافت. نتایج آزمون فرضیه اصلی نشان داد آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم منجر به بهبود سطح خلاقیت و تفکر هنری دانش‌آموزان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش فلسفه، خلاقیت، تفکر هنری، دانش‌آموزان، دوره دوم ابتدایی، دختران، شهر قم.

۱. مقدمه

اولین و مهم‌ترین مسأله برای پیشرفت هر کشور، آموزش نیروهای انسانی آن کشور است. برای این امر خانواده اولین و مهم‌ترین محل آموزش است، اما کافی نیست؛ زیرا یک خانواده به همه علوم تسلط ندارد، اما چند نفر در خانواده‌های مختلف می‌توانند در کنار هم به همه علوم شناخته شده تسلط داشته باشند. البته لازم نیست یک انسان همه چیز را بیاموزد، اما نکات اصلی زندگی را باید حتماً آموزش ببیند. بنابراین، برای حل این مشکل هر کشوری جا و مکانی را تحت عنوان مدرسه برای آموزش بهتر کودکان و نوجوانان در نظر گرفته تا این آموزش‌ها منسجم‌تر و بهینه‌تر در اختیار آن‌ها قرار گیرد. پس از تأسیس مدارس، گام بعدی باید برداشته می‌شد که آن روش تدریس درست است. برای این منظور افراد صاحب‌نظر هر کدام روش‌هایی را پیشنهاد دادند و اجرا کردند که در این بین، هم صاحب‌نظران اسلامی و هم دیگر اندیشمندان بر یک اصل اتفاق نظر داشتند و دارند و آن این است که بهترین روش برای آموزش، آموختن اندیشیدن است؛ چراکه اگر خوب فکر کردن به کودکان و نوجوانان آموزش داده نشود، تنها چیزی که به آن‌ها داده‌ایم، تلقین افکار از گذشتگان به صورت موروثی است.

همین آموزش اندیشیدن، مسأله‌ای است که باید روش اجرایی خاصی را برای آن در نظر گرفت. در گذشته فیلسوفان زیادی زیسته‌اند و همه بر این باور بوده‌اند که آموزش فلسفه یکی از مهم‌ترین آموزش‌های زندگی برای هر نفر است. اما گاهی این آموزش‌ها در کودکی، خیلی جدی گرفته نمی‌شد و توصیه نمی‌گردید. با گذر زمان نظریه‌پردازان آموزش و پرورش به این باور رسیدند که آموزش فلسفه و فلسفیدن و اندیشیدن از همان کودکی و با گام‌های اولیه آموزش باید به صورت بارز خودنمایی کند. برای این منظور افراد زیادی، پژوهش‌های عملی و میدانی انجام دادند که نتایج، شگفت‌انگیز بوده و همه گویای این مطلب است که لازمه آموزش صحیح، به‌کارگیری روش‌های آموزش فلسفه و وارد کردن آن در درس‌هاست. در آموزش و پرورش درس‌های زیادی مورد تأکید آموزشی قرار گرفته‌اند، مانند ریاضی، علوم و ادبیات. در این بین درس هنر نیز یکی از دروس آموزشی در تمام کشورها در میان درس‌های دیگر دیده می‌شود، اما چندان توجه جدی به آن وجود ندارد. درس هنر با توجه به هنرهای هر سرزمین متفاوت است. در کشورهای غربی، موسیقی و رقص و آواز از موارد مهم درس هنر آن‌هاست، اما هنر در این ایران آنچنان غنی و قوی است که دسته‌بندی آن معمولاً به عهده خود معلم گذاشته می‌شود، با این همه، کم‌توجهی به این درس در بسیاری از مدارس به وضوح دیده می‌شود. حضور هنر در زندگی موجب نشاط و شادابی می‌شود؛ پس نباید آن را نادیده گرفت. از آنجاکه رشته‌های هنری فراوان هستند، پژوهش حاضر تنها به حوزه نقاشی می‌پردازد.

در اجرای هنر یک اصل به شدت خودنمایی می‌کند و آن مسدله خلاقیت است. جالب اینجاست که خلاقیت می‌تواند هنر را دگرگون کند و هنر می‌تواند انسان‌ها را خلاق بار آورد. این علت و معلولی آنچنان بارز در هر دوسو دیده می‌شود که نمی‌توان به هیچ عنوان این دو را از هم جدا دانست. پس، می‌بایست به این نکته توجه داشت که در درس هنر توجه به خلاقیت یک اصل انکارناپذیر و ضروری است. هنر زمانی خود را در زندگی مفید نشان می‌دهد که همراه با تفکر باشد. هنرهای ماندگار، همه گویای این مطلب هستند که ماندگاری آن‌ها به سبب تفکر در اجرا و سبک آن هنر بوده است، مانند نقاشی‌های داونیچی و آهنگ‌های بتهون. البته این امر در تمام زندگی جزء اصول اولیه موفقیت و تعالی است که قبل از هر کاری تفکر کنیم. برای رسیدن به خلاقیت و تفکر هنری نوعی آموزش مناسب لازم است و آن به‌کارگیری روش‌های آموزش فلسفه است. آموزش فلسفه روش‌های مختلفی دارد که متناسب با درس و جامعه آماری، متفاوت است. درس هنر ورشته نقاشی که در این تحقیق به آن پرداخته شده، می‌تواند با روش خواندن داستان همراه باشد. در این حال هم دانش‌آموزان به تمرین تفکر می‌پردازند و هم در کشیدن نقاشی سعی در پیاده‌سازی خلاقیت خواهند داشت. علاوه بر این، در آموزش‌ها از ترکیب درس هنر و دروس دیگر مانند ادبیات و مطالعات اجتماعی نیز بهره برده می‌شود که البته در پژوهش حاضر به آن پرداخته نشده است.

۲. مبانی نظری

با گذر زمان، به ویژه در سال‌های اخیر، مدرسه به عنوان کانون اصلی تعلیم و تربیت، موضوع اختلافات و کشمکش‌های زیادی بوده است (گوئک^۱، ۱۳۸۹، ص ۱۹)، اما آنچه در خصوص رسالت مدرسه، مورد تایید دانشمندان است، ارزش تفکر و لزوم آموزش آن در مدرسه است. برای این منظور روش‌ها و ایده‌هایی پیشنهاد شده که در این تحقیق به آنها اشاره می‌شود. کودکان، بالقوه آموختن را دوست دارند و طالب چرایی‌ها هستند، اما آنان پس از ورود به مدارس حفظ‌محور، به مرور خسته و کسل می‌شوند. این نوع آموزش‌ها، ماندگاری و کارایی زیادی ندارد و در پیشبرد جامعه چندان اثرگذار نخواهند بود و خروجی آن جز تولید آدم‌های مکانیکی ثمری نخواهد داشت. در کشورهایی که در دسته‌بندی اجتماعی- اقتصادی در طبقه جهان سوم قرار دارند، آموزش‌های حفظ‌محور مانند سم می‌ماند؛ زیرا این کشورها باید برای رسیدن به سطح دانش جهانی، بیش از حد معمول کار کنند. بنابراین، برای رهایی از این امر باید دنبال روش‌هایی بود که از حفظ‌محوری شدن آموزش‌ها جلوگیری کند. در این راستا، آموزش خلاقیت و تفکر مناسب را می‌توان یک امر لازم دانست.

در برنامه آموزشی طرح «فلسفه برای کودکان» که متیو لیپمن^۱ در سال ۱۹۶۹ با هدف اصلی آموزش تفکر به کودکان ابداع کرد، مهارت تفکر و خلاقیت را در برنامه آموزشی به روش آموزش فلسفه بیان نمود. در این شیوه اداره کلاس بر مبنای جمعی و با بحث و گفت‌وگو در خصوص داستان‌هایی است که در کلاس به شیوه‌های مختلف خوانده می‌شود و نتایج داستان مورد بررسی قرار می‌گیرد. گاهی دانش‌آموزان، آن را با نمایش و طرح داستان تمام می‌کنند و گاهی نتایج را به تصویر می‌کشند (فیشر، ۱۹۸۸، ص ۲۶۹).

در این طرح لیپمن به دو الگو و مدل و مقایسه بین آن‌ها پرداخته است، یکی سنت‌گرایی در آموزش و دیگری آموزش مبتنی بر تفکر و تأمل می‌باشد. وی اشاره می‌کند که در الگوی سنتی آموزش و پرورش، رغبت و علائق دانش‌آموزان نقشی ندارد و یادگیری جریانی یک‌طرفه از سوی معلم است. اما در الگوهایی که بر مبنای تفکر است، فلسفه آموزش مورد تأکید بوده و هدف از اجرای آن برطرف نمودن اثرات نامطلوب کاهش میل به یادگیری و حرکت نوآموز به سمت خلاقیت و نوآوری است (یوسفیان اهری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۰۵).

فلسفه برای کودکان، فرایند فلسفی مشابه پرسش‌های سقراطی است که افراد را تشویق می‌کند تا سوال‌های مدنظر خود را طرح کنند و در این فضای پرسمان، توانایی خود را درباره موضوع به چالش کشیده شده، عمیق‌تر کنند. کودکان در این برنامه مهارت‌های تفکر منطقی، تحلیلی، اثربخش، و نقادانه و خلاق را آموزش می‌بینند. در این رویکرد، اصل بر پردازش عقلانی اطلاعات برای حل مسائل زندگی بوده و فلسفه روشی برای خردورزی و مواجهه منطقی با مسائل و باورها است (یوسفیان اهری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۰۲). در چشم‌انداز بیست ساله سند تحول، چنین برداشت می‌شود که مسأله تفکر و آموزش آن، یکی از مهم‌ترین پایه‌های آموزشی در نظر گرفته شده است. در کنار این امر به موضوع خلاقیت نیز به جدّ پرداخته شده که می‌تواند سرعت پیشرفت را در هر کشوری افزایش دهد. کودکان این سرزمین نشان داده‌اند که از نظر هوشی در سطح بالایی قرار دارند و همچنین افرادی خلاق و خوش‌فکر و ایده‌پرداز هستند. بنابراین، جا دارد با بهره‌گیری از علوم آموزشی نوین، این مهارت‌ها تقویت شود.

۳. پیشینه پژوهش

حیبی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «آموزش فلسفه برای کودکان»، فلسفه‌ورزی را به عنوان روشی برای پرورش قوه تفکر، مورد توجه قرار داده است. در این تحقیق آمده که در ایران حدود یک

1. Matthew Lipman

دهه است که چنین مباحثی مطرح شده است، برنامه آموزش فلسفه به کودکان، جدیدترین رویکرد در آموزش مهارت‌های تفکر به ویژه تفکر انتقادی به کودکان است. در صورتی که کودکان هنگام اشتغال به تحصیل، اندیشیدن، با هم اندیشیدن، و به صورت گروهی کار کردن را تجربه کنند، می‌توانند به یادگیری ادامه داده و وارد جامعه شوند. برخورد اصولی با استعداد و توانایی‌های کودکان باعث شکوفایی ذهن و رشد خلاقیت می‌شود و به بالندگی جامعه منجر می‌شود. نتایج نشان می‌دهد آموزش فلسفه برای کودکان با هدف بهبود تفکر و افزایش خلاقیت کودک انجام می‌شود و در صورتی که این آموزش به درستی انجام شود، می‌تواند به بهبود روش تفکر، افزایش خلاقیت و مسئولیت‌پذیری، رشد فضایل اخلاقی، افزایش توانایی فردی و اجتماعی کودکان منجر شود.

نویدیان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از داستان‌های بومی در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی»، نشان دادند که آموزش فلسفه برای کودکان در رشد اخلاقی دانش‌آموزان دختر و پسر، تاثیر مثبت و معناداری دارد و تفاوت معناداری بین گروه دختر و پسر مشاهده نشد. بنابراین، می‌توان گفت که آموزش فلسفه برای کودکان، رشد اخلاقی دانش‌آموزان را ارتقاء داد.

ایمان‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش فلسفه به نوجوانان بر پرورش باورهای زیبایی‌شناختی و قضاوت‌های اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه: به روش حلقه کندوکاو فلسفی»، نشان دادند که میانگین گروه آزمایش در متغیر باورهای زیبایی‌شناسی در متغیر قضاوت اخلاقی، از میانگین گروه کنترل بالاتر است و تفاوت معنی‌داری با یکدیگر دارد، و برنامه آموزش فلسفه برای نوجوانان به روش حلقه کندوکاو فلسفی بر باورهای زیبایی‌شناسی و قضاوت اخلاقی نوجوانان تاثیر مثبت دارد. بنابراین، از طریق آموزش فلسفه برای نوجوانان می‌توان باورهای زیبایی‌شناسی و قدرت قضاوت اخلاقی‌شان را بالا برد.

مهدی‌زاده، عراقیه و حیدریه (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی ناحیه یک آموزش و پرورش بهارستان»، نشان دادند که خلاقیت در دانش‌آموزان مورد مطالعه متفاوت است. به طوری که براساس مقایسه میانگین‌ها، تفاوت در گروه دانش‌آموزان آموزش دیده بیشتر از گروه دانش‌آموزان آموزش ندیده است. بنابراین، آموزش فلسفه برای کودکان بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی ناحیه یک بهارستان تاثیر دارد.

ایران‌شاهی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش فلسفه‌ورزی به کودکان بر اخلاق شهروندی و مولفه‌های آن در دانش‌آموزان دختر ابتدایی»، دریافتند که برنامه آموزش

فلسفه‌ورزی کودکان بر اخلاق شهروندی اثربخش بوده است. از پنج مؤلفه، اخلاق شهروندی بر مولفه‌های نوع‌دوستی، رعایت قوانین و مقررات و زیست مسالمت‌آمیز اثربخش بوده، ولی بر مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری و رعایت حقوق دیگران اثربخش نبوده است.

سردار و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تأثیر آموزش هنر به روش فلسفه برای کودکان بر تفکر زیبایی‌شناختی و نمره نقاشی دانش‌آموزان ابتدایی» نشان دادند، دانش‌آموزانی که به روش آموزش فلسفه برای کودکان، هنر را آموزش دیده بودند، افزایش معنی‌داری در سطح تفکر زیبایی‌شناختی در بخش پاسخ کتبی (در مقایسه با گروه توضیحی) و در بخش پاسخ شفاهی (در مقایسه با گروه رایج) داشتند. همچنین دانش‌آموزانی که به روش آموزش فلسفه برای کودکان، آموزش دیده بودند، نمره نقاشی بالاتری از نظر معلمان و متخصص هنر گرفته‌اند.

ورلی^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «فلسفه و کودکان»، نشان داد که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان می‌تواند در جهت پرورش درک اخلاقی و ارزش‌های هنری، پرورش خلاقیت، رشد و بهبود توانایی استدلال، تفکر انتقادی، پرورش شهروندی و رشد میان‌فردی و فردی و پرورش توانایی مفهوم‌یابی در تجربه، موثر باشد.

وینتر^۲ و هیگز^۳ (۲۰۱۴) نیز در پژوهشی با عنوان «فلسفه برای کودکان در کلاسی دموکراتیک»،^۴ به تفسیر سه سبک تفکر از دیدگاه متیولپمن با عنوان تفکر انتقادی، خلاق و تفکر مراقبتی پرداختند و روش آموزشی خاص لیپمن یعنی اجتماع پژوهشی و دموکراسی را در عمل بررسی کردند. نتایج نشان داد که برنامه فلسفه برای کودکان چگونه می‌تواند موجب تغییر و تاثیر مثبت بر روی مهارت‌های فکری و اجتماعی شود.

اکتاویان^۵ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «فلسفه برای کودکان، یک ابزار ایده‌آل برای تحریک مهارت‌های تفکر»، به اینکه چگونه فلسفه می‌تواند به رشد تفکر جوانان کمک کند، پرداخته است. وی معتقد است واژه فیلسوف فقط متعلق به افراد خاص نیست و همه می‌توانند فیلسوف شوند. فلسفه برای طبیعت انسان بر روی زمین لازم است و آموزش فلسفه به کودکان می‌تواند در جوانی یک محرک تفکر مناسب باشد.

بررسی تحقیقات حاکی از آن است که تاکنون تعداد قابل توجهی تحقیق در خصوص آموزش

1. Worley
2. Venter
3. Higgs
4. Democratic
5. Octavian Gruioniu

فلسفه به کودکان انجام شده است. همچنین، با توجه به نتایج ارزشمندی که کشورهای پیشرفته در مسئله آموزش پیرامون موضوع خلاقیت و کلاس پویای همراه با هنر دریافت کرده‌اند، در ایران نیز مطالعاتی در مورد مبانی فلسفی هنر و خلاقیت به صورت جداگانه صورت گرفته است، اما در این پژوهش‌ها، به مسئله آموزش فلسفه و تاثیر آن بر تفکر و خلاقیت هنری دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی پرداخته نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد است به این سوال پاسخ دهد که، آیا نوآوری و تحول در برنامه‌ریزی درسی فلسفه، در خلاقیت هنری دانش‌آموزان دوره دوم تاثیر دارد؟

۴. روش پژوهش

رویکرد پژوهش به صورت کمی بوده و روش تحقیق شبه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون و گروه کنترل بوده است. این طرح از دو گروه آزمودنی تشکیل شده که هر گروه دو مرتبه اندازه‌گیری شدند. اولین اندازه‌گیری با اجرای یک پیش‌آزمون و دومین اندازه‌گیری با اجرای یک پس‌آزمون انجام شد، تا اثربخشی اثر مستقل (آموزش فلسفه) بر متغیر وابسته (تفکر و خلاقیت هنری) سنجیده شود. برای این منظور ابتدا چند مدرسه در ناحیه (۴) استان قم تعیین گردید و بعد از بررسی‌های انجام شده، بهترین آن‌ها برای این منظور در نظر گرفته شد که در آن دو کلاس ششم به عنوان جامعه آماری در این تحقیق انتخاب شدند. دو کلاس شامل ۶۰ نفر دانش‌آموز از یک مدرسه ناحیه (۴) بوده است. بنابراین، جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی دخترانه ناحیه (۴) شهر قم بود، که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری دو کلاس بود که یک کلاس به شیوه خاص (گروه آزمایش: ۳۰ دانش‌آموز) و کلاس دیگر به شیوه سنتی (گروه کنترل: ۳۰ دانش‌آموز) تحت آزمون شاپیرو-ویلک و آزمون لون قرار گرفتند. برای انتخاب نمونه آماری از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۳ تجزیه و تحلیل شدند. همه فعالیت‌ها، متشکل از خواندن داستان و نمایش و کشیدن نقاشی، عکسبرداری و فیلم‌برداری شد که برای ارائه، قابل نمایش باشد. برای ثبت نتیجه‌گیری بهتر به همکاران دیگر هم پیشنهاد شد تا موارد بالا را اجرا کنند و نتایج ثبت و خارج از این طرح مورد بررسی قرار گیرد.

۵. یافته‌ها

به کمک آزمون‌های آماری مناسب صحت و سقم هر یک از فرضیه‌های تحقیق بررسی شدند. داده‌های جمع‌آوری شده مربوط به دو گروه آزمایش (معنادرمانی) و گروه کنترل، و در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون می‌باشد. لذا، به منظور بررسی فرضیه‌های مورد نظر از آزمون‌های تحلیل

کوواریانس یک و چندمتغیره استفاده شد. لازم به ذکر است که تعداد آزمودنی‌های حاضر در گروه آزمایش ۳۰ نفر (۵۰ درصد) و تعداد آزمودنی‌های حاضر در گروه کنترل نیز ۳۰ نفر (۵۰ درصد) بودند. در این بخش به منظور تحلیل استنباطی فرضیه‌های تحقیق، ابتدا شاخص‌های توصیفی هر متغیر در دو گروه مورد مطالعه به تفکیک پیش‌آزمون و پس‌آزمون گزارش شده و نرمالیتی آنها به کمک آزمون شاپیرو-ویلک مورد ارزیابی قرار گرفتند. در ادامه سایر پیش‌فرض‌های لازم برای استفاده از آزمون‌های تحلیل کوواریانس یک و چندمتغیره بررسی و سپس نتایج نهایی هر آزمون گزارش شدند.

۵-۱. تحلیل استنباطی فرضیه فرعی (۱)

شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر خلاقیت هنری و ابعاد آن شامل میانگین و انحراف معیار به تفکیک دو گروه مورد نظر در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیر خلاقیت هنری

متغیر	گروه	مرحله	میانگین	انحراف معیار
خلاقیت هنری	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۶۵	۱/۲۳
		پس‌آزمون	۳/۰۲	۱/۰۸
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۶۵	۱/۱۹
		پس‌آزمون	۲/۶۶	۱/۱۶
تخیل و زیبایی‌شناسی	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۶۵	۱/۲۴
		پس‌آزمون	۲/۸۰	۱/۱۳
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۶۰	۱/۰۵
		پس‌آزمون	۲/۶۵	۱/۱۵
کنجکاوی و جسارت	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۵۷	۱/۲۴
		پس‌آزمون	۲/۹۳	۱/۰۷
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۵۸	۱/۱۷
		پس‌آزمون	۲/۶۴	۱/۱۵
الگوپردازی	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۶۴	۱/۲۴
		پس‌آزمون	۳/۰۲	۱/۱۵
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۷۰	۱/۲۴
		پس‌آزمون	۲/۶۷	۱/۱۳
ایده‌پردازی و نوآوری	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۷۲	۱/۲۳
		پس‌آزمون	۳/۰۹	۱/۰۸
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۷۰	۱/۲۳
		پس‌آزمون	۲/۶۸	۱/۲۲

نمره متغیر خلاقیت هنری گروه آزمایش در پیش‌آزمون $۲/۶۵ \pm ۱/۲۳$ و پس‌آزمون $۳/۰۲ \pm ۱/۰۸$ است؛ در حالی که نمره خلاقیت هنری برای گروه کنترل در پیش‌آزمون $۲/۶۵ \pm ۱/۱۹$ و در پس‌آزمون $۲/۶۶ \pm ۱/۱۶$ است. به منظور اطمینان از نرمال بودن داده‌های تحقیق از آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شد که نتایج آن در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲- آزمون شاپیرو-ویلک برای بررسی نرمال بودن خلاقیت هنری و ابعاد آن

گروه	مرحله	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
خلاقیت هنری	آزمایش	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۰۶۸
	کنترل	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۳۱۰
		پس‌آزمون	۳۰	۰/۱۲۲
	آزمایش	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۱۱۰
تخیل و زیباشناسی	آزمایش	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۱۱۰
	کنترل	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۱۰۲
		پس‌آزمون	۳۰	۰/۰۶۳
	آزمایش	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۰۶۹
کنجکاو و جسارت	آزمایش	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۱۲۸
	کنترل	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۳۶۶
		پس‌آزمون	۳۰	۰/۰۷۰
	آزمایش	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۰۹۱
الگوپردازی	آزمایش	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۰۵۸
	کنترل	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۳۳۷
		پس‌آزمون	۳۰	۰/۰۸۳
	آزمایش	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۰۶۳
ایده‌پردازی و نوآوری	آزمایش	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۰۶۵
	کنترل	پیش‌آزمون	۳۰	۰/۲۰۹
		پس‌آزمون	۳۰	۰/۱۰۶
	آزمایش	پس‌آزمون	۳۰	۰/۰۵۹

با توجه به مندرجات جدول (۲) ملاحظه می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون شاپیرو-ویلک برای هر دو گروه در هر دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون از $۰/۰۵$ بیشتر بوده که این مطلب موید فرض صفر مبنی بر نرمال بودن داده‌های مربوط به متغیر خلاقیت هنری در گروه‌های آزمایش و کنترل در دو مرحله مورد نظر می‌باشد.

۱-۱-۵. بررسی و تحلیل بخش اول فرضیه: آموزش فلسفه بر بهبود سطح خلاقیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد.

با توجه به نرمال بودن متغیر خلاقیت هنری، در ادامه سایر پیش‌فرض‌های لازم برای تحلیل کوواریانس یک‌متغیره مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف) بررسی همسانی واریانس‌های خطا

جدول ۳- آزمون لون برای سنجش برابری واریانس‌های خطا

متغیر	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری
خلاقیت هنری	۰/۳۳۶	۱	۵۸	۰/۶۵۶

نتایج آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس‌های خطا نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای متغیر خلاقیت هنری ۰/۶۵۶ بوده که از ۰/۰۵ بیشتر و موید همگنی واریانس‌های خطاست. لذا، این پیش‌فرض برقرار است.

ب) همگنی شیب خط رگرسیون

جدول ۴- همگنی شیب خط رگرسیون خلاقیت هنری

اثر	مجذور مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
مدل تصحیح شده	۷۲/۹۴	۳	۲۴/۳۱	۵۹۳/۶۳	۰/۰۰۰	۰/۹۷۰
اثر ثابت	۱/۷۰	۱	۱/۷۰	۴۱/۵۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲۶
گروه	۱/۰۹	۱	۱/۰۹	۲۶/۵۴	۰/۰۰۰	۰/۳۲۲
پیش‌آزمون	۷۱/۰۶	۱	۷۱/۰۶	۱۷۳۱/۶۴	۰/۰۰۰	۰/۹۶۹
گروه	۰/۱۳	۱	۰/۱۳	۳/۱۷	۰/۰۷۴	۰/۰۹۳
خطا	۲/۲۹	۵۶	۰/۰۴۱			
کل	۵۵۸/۶۰	۶۰				
مدل تصحیح شده کلی	۷۵/۲۴	۵۹				

برای بررسی این پیش‌فرض مقدار F تعاملی پیش‌آزمون و گروه، محاسبه شده است. چنانچه سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد، فرضیه همگنی شیب خط رگرسیون پذیرفته می‌شود. همانطور که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود، سطح معناداری به‌دست آمده برای اثر تعاملی گروه در مقابل پیش‌آزمون برابر ۰/۰۷۴ بوده است که از ۰/۰۵ بیشتر است. بنابراین، فرضیه همگنی شیب خط رگرسیون پذیرفته می‌شود.

ج) آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها

جدول (۵) تفسیر نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره و معنی‌داری یا عدم معنی‌داری تاثیر

متغیر مستقل (گروه) را نشان می‌دهد. در این جدول سطح معنی‌داری متغیر گروه برای خلاقیت هنری ۰/۰۰۰ گزارش شده که از ۰/۰۵ کم‌تر بوده و نشان می‌دهد که این متغیر تاثیر معنی‌داری بر میانگین نمره خلاقیت هنری دارد. یعنی میانگین نمره خلاقیت هنری در گروه آزمایش و گروه کنترل در مرحله پس‌آزمون پس از حذف اثرات پیشین، تفاوت معنی‌داری با هم دارد.

جدول ۵- تحلیل کوواریانس و خطی بودن اثر گروه‌های آموزشی

اثر	مجذور مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
مدل تصحیح شده	۷۲/۶۸	۲	۳۶/۳۴	۸۱۰/۴۶	۰/۰۰۰	۰/۹۶۶
اثر ثابت	۱/۷۵	۱	۱/۷۵	۳۸/۹۹	۰/۰۰۰	۰/۴۰۶
پیش‌آزمون	۷۰/۷۰	۱	۷۰/۷۰	۱۵۷۶/۷۵	۰/۰۰۰	۰/۹۶۵
گروه	۱/۹۸	۱	۱/۹۸	۴۴/۱۶	۰/۰۰۰	۰/۴۳۷
خطا	۲/۵۶	۵۷	۰/۰۴۵			
کل	۵۵۸/۶۰	۶۰				
مدل تصحیح شده کلی	۷۵/۲۴	۵۹				

در واقع می‌توان گفت، بخش اول فرضیه فرعی اول پژوهش مورد تایید قرار گرفته و آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم منجر به بهبود سطح خلاقیت هنری دانش‌آموزان آن شده است.

۱-۲. بررسی و تحلیل بخش دوم فرضیه فرعی اول: آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم منجر به بهبود سطح ابعاد خلاقیت هنری دانش‌آموزان می‌شود.

الف) بررسی پیش‌فرض برابری ماتریس‌های کوواریانس

جدول (۶) نتیجه آزمون ام. باکس^۱ را نشان می‌دهد. آزمون ام. باکس این فرض صفر را مورد آزمون قرار می‌دهد که ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده متغیر وابسته (ابعاد خلاقیت هنری) در بین گروه‌های مختلف برابر است.

جدول ۶- نتایج آزمون ام. باکس برای برابری ماتریس‌های کوواریانس برای ابعاد خلاقیت هنری

۱۱/۲۰۱	آماره ام باکس
۱/۰۳۶	آماره F
۱۰	درجه آزادی ۱
۱۶۰۸۲/۸۶۹	درجه آزادی ۲
۰/۴۰۹	سطح معنی‌داری

با توجه به مندرجات جدول (۶) ملاحظه می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون $0/409$ بوده که از $0/05$ بیشتر است و موید فرضیه صفر مبنی بر برابری ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده متغیر وابسته (ابعاد خلاقیت هنری) در بین گروه‌های مختلف است. لذا، این پیش‌فرض مورد تایید قرار می‌گیرد.

ب) بررسی معنی‌داری اثر تعاملی متغیرهای مستقل در مدل

در جدول (۷) اثر تعاملی متغیر مستقل گروه توسط چهار آزمون اثر پیلای، لامبدای ویلکز، اثر هتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه روی سنجیده شده است. برای متغیر گروه، در هر چهار آزمون انجام شده، سطح معنی‌داری کمتر از $0/05$ گزارش شده است که مبین تاثیر معنی‌دار متغیر گروه می‌باشد. در واقع، تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمرات ابعاد خلاقیت هنری در پس‌آزمون (و بعد از حذف اثرات پیشین)، با ابعاد خلاقیت هنری در گروه آزمایش و کنترل وجود دارد.

جدول ۷- آزمون معنی‌داری اثر تعاملی متغیرهای مستقل در مدل برای ابعاد خلاقیت هنری

اثر	آزمون	مقدار	آماره F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معنی‌داری	شاخص مجذور اتا
اثر پیلای	$0/460$	$10/867$	۴	۵۱	$0/000$	$0/460$	
لامبدای ویلکز	$0/540$	$10/867$	۴	۵۱	$0/000$	$0/460$	
اثر هتلینگ	$0/852$	$10/867$	۴	۵۱	$0/000$	$0/460$	
بزرگ‌ترین ریشه روی	$0/852$	$10/867$	۴	۵۱	$0/000$	$0/460$	
اثر پیلای	$0/527$	$14/216$	۴	۵۱	$0/000$	$0/527$	
لامبدای ویلکز	$0/473$	$14/216$	۴	۵۱	$0/000$	$0/527$	
اثر هتلینگ	$1/115$	$14/216$	۴	۵۱	$0/000$	$0/527$	گروه
بزرگ‌ترین ریشه روی	$1/115$	$14/216$	۴	۵۱	$0/000$	$0/527$	

در واقع، میانگین نمرات ابعاد خلاقیت هنری بعد از آزمون (و بعد از حذف اثرات پیشین) برای حداقل یکی از ابعاد خلاقیت هنری در گروه آزمایش و کنترل، تفاوت معنی‌داری با هم دارند.

ج) بررسی برابری واریانس‌های خطا

سطح معنی‌داری برای متغیرهای تخیل و زیبایی‌شناسی، کنجکاو و جسارت، الگوبرداری و ایده‌پردازی و نوآوری به ترتیب $0/369$ ، $0/130$ ، $0/430$ و $0/302$ بوده که از $0/05$ بیشتر است و موید همگنی واریانس‌های خطاست.

جدول ۸- آزمون لون برای سنجش برابری واریانس‌های خطا برای ابعاد خلاقیت هنری

متغیر	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری
تخیل و زیبایی‌شناسی	۰/۸۱۹	۱	۵۸	۰/۳۶۹
کنجکاوی و جسارت	۲/۵۶۳	۱	۵۸	۰/۱۳۰
الگو برداری	۰/۶۳۲	۱	۵۸	۰/۴۳۰
ایده‌پردازی و نوآوری	۱/۰۸۷	۱	۵۸	۰/۳۰۲

د) آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها

جدول (۹) مهم‌ترین جدول برای تفسیر نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره بوده و معنی‌داری یا عدم معنی‌داری تاثیر متغیر مستقل (گروه) را نشان می‌دهد.

جدول ۹- آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها برای ابعاد خلاقیت هنری

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مربعات نوع ۳	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری	شاخص مجذور اتا
مدل تصحیح شده	تخیل و زیبایی‌شناسی	۷۰/۰۴۹	۵	۱۴/۰۱۰	۱۳۳/۵۸۱	۰/۰۰۰	۰/۹۲۵
	کنجکاوی و جسارت	۷۰/۵۲۴	۵	۱۴/۱۰۵	۳۰۶/۹۹۳	۰/۰۰۰	۰/۹۶۶
	الگو برداری	۷۲/۳۷۴	۵	۱۴/۴۷۵	۱۴۸/۱۴۸	۰/۰۰۰	۰/۹۳۲
	ایده‌پردازی و نوآوری	۷۶/۵۳۳	۵	۱۵/۳۰۷	۲۸۱/۵۳۳	۰/۰۰۰	۰/۹۶۳
عرض از مبدا	تخیل و زیبایی‌شناسی	۰/۴۸۳	۱	۰/۴۸۳	۴/۶۰۵	۰/۰۳۶	۰/۰۷۹
	کنجکاوی و جسارت	۱/۸۵۴	۱	۱/۸۵۴	۴۰/۳۴۴	۰/۰۰۰	۰/۴۲۸
	الگو برداری	۲/۲۳۷	۱	۲/۲۳۷	۲۲/۸۹۸	۰/۰۰۰	۰/۲۹۸
	ایده‌پردازی و نوآوری	۱/۷۱۳	۱	۱/۷۱۳	۳۱/۵۰۵	۰/۰۰۰	۰/۳۶۸
گروه	تخیل و زیبایی‌شناسی	۰/۲۰۴	۱	۰/۲۰۴	۱/۹۴۳	۰/۱۶۹	۰/۰۳۵
	کنجکاوی و جسارت	۱/۳۷۱	۱	۱/۳۷۱	۲۹/۸۴۸	۰/۰۰۰	۰/۳۵۶
	الگو برداری	۲/۳۵۷	۱	۲/۳۵۷	۲۴/۱۱۹	۰/۰۰۰	۰/۳۰۹
	ایده‌پردازی و نوآوری	۲/۶۷۹	۱	۲/۶۷۹	۴۹/۲۸۰	۰/۰۰۰	۰/۴۷۷
خطا	تخیل و زیبایی‌شناسی	۵/۶۶۳	۵۴	۰/۱۰۵			
	کنجکاوی و جسارت	۲/۴۸۱	۵۴	۰/۰۴۶			
	الگو برداری	۵/۲۷۶	۵۴	۰/۰۹۸			
	ایده‌پردازی و نوآوری	۲/۹۳۶	۵۴	۰/۰۵۴			
کل	تخیل و زیبایی‌شناسی	۵۲۱/۲۵۰	۶۰				
	کنجکاوی و جسارت	۵۳۸/۷۵۰	۶۰				
	الگو برداری	۵۶۵	۶۰				
	ایده‌پردازی و نوآوری	۵۷۹/۵۶۸	۶۰				

در این جدول سطح معنی‌داری متغیر گروه برای کنجکاوی و جسارت، الگوبرداری و ایده‌پردازی و نوآوری ۰/۰۰۰ گزارش شده که از ۰/۰۵ کم‌تر بوده و نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمرات این متغیرها در دو گروه مورد نظر وجود دارد.

۲-۵. تحلیل استنباطی فرضیه فرعی (۲)

شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر تفکر هنری و ابعاد آن شامل میانگین و انحراف معیار به تفکیک دو گروه مورد نظر در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول (۱۰) آمده است.

جدول ۱۰- شاخص‌های توصیفی متغیر تفکر هنری

متغیر	گروه	مرحله	میانگین	انحراف معیار
تفکر هنری	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۸۲	۱/۱۷
		پس‌آزمون	۳/۴۶	۱/۰۲
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۸۲	۱/۱۴
		پس‌آزمون	۲/۷۹	۱/۱۴
دقت هنری	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۸۹	۱/۱۸
		پس‌آزمون	۳/۷۰	۰/۹۷
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۹۵	۱/۰۶
		پس‌آزمون	۲/۸۱	۱/۱۳
پرسشگری هنری	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۹۷	۱/۲۱
		پس‌آزمون	۳/۳۸	۱/۱۲
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۹۰	۱/۱۵
		پس‌آزمون	۲/۹۰	۱/۱۴
ابراز وجود و نگرش هنری	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۷۲	۱/۲۲
		پس‌آزمون	۳/۵۱	۱/۰۷
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۷۵	۱/۱۴
		پس‌آزمون	۲/۷۷	۱/۱۷
بهره‌مندی از تخیل	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۹۱	۱/۱۸
		پس‌آزمون	۳/۴۲	۱/۰۶
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۸۴	۱/۲۰
		پس‌آزمون	۲/۸۴	۱/۱۸
نوآوری و خلاقیت هنری	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۷۲	۱/۱۴
		پس‌آزمون	۳/۳۰	۱/۰۶
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۷۳	۱/۲۰
		پس‌آزمون	۲/۷۰	۱/۱۶

به منظور اطمینان از نرمال بودن داده‌های تحقیق از آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شد که نتایج آن در جدول (۱۱) آمده است. سطح معنی‌داری آزمون شاپیرو-ویلک برای هر دو گروه در هر دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون از ۰/۰۵ بیشتر بوده که این مطلب موید فرض صفر مبنی بر نرمال بودن داده‌های مربوط به متغیر تفکر هنری در گروه‌های آزمایش و کنترل در دو مرحله مورد نظر می‌باشد.

جدول ۱۱- آزمون شاپیرو-ویلک برای بررسی نرمال بودن تفکر هنری و ابعاد آن

گروه	مرحله	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
تفکر هنری	پیش‌آزمون	۰/۹۵۱	۳۰	۰/۱۷۹
	پس‌آزمون	۰/۹۴۶	۳۰	۰/۱۳۰
	پیش‌آزمون	۰/۹۵۷	۳۰	۰/۲۶۶
	پس‌آزمون	۰/۹۳۷	۳۰	۰/۰۷۸
دقت هنری	پیش‌آزمون	۰/۹۴۹	۳۰	۰/۱۶۱
	پس‌آزمون	۰/۹۴۲	۳۰	۰/۱۰۵
	پیش‌آزمون	۰/۹۴۶	۳۰	۰/۱۳۲
	پس‌آزمون	۰/۹۴۷	۳۰	۰/۱۴۰
پرسشگری هنری	پیش‌آزمون	۰/۹۴۳	۳۰	۰/۱۱۰
	پس‌آزمون	۰/۹۳۱	۳۰	۰/۰۵۲
	پیش‌آزمون	۰/۹۳۸	۳۰	۰/۰۸۱
	پس‌آزمون	۰/۹۴۲	۳۰	۰/۱۰۵
ابراز وجود و نگرش هنری	پیش‌آزمون	۰/۹۴۴	۳۰	۰/۱۱۷
	پس‌آزمون	۰/۹۳۳	۳۰	۰/۰۵۷
	پیش‌آزمون	۰/۹۵۱	۳۰	۰/۱۷۶
	پس‌آزمون	۰/۹۵۶	۳۰	۰/۱۸۵
بهره‌مندی از تخیل	پیش‌آزمون	۰/۹۴۷	۳۰	۰/۱۴۲
	پس‌آزمون	۰/۹۳۸	۳۰	۰/۰۸۱
	پیش‌آزمون	۰/۹۴۵	۳۰	۰/۱۲۲
	پس‌آزمون	۰/۹۴۱	۳۰	۰/۰۹۸
نوآوری و خلاقیت هنری	پیش‌آزمون	۰/۹۴۱	۳۰	۰/۰۹۸
	پس‌آزمون	۰/۹۵۸	۳۰	۰/۲۶۸
	پیش‌آزمون	۰/۹۴۷	۳۰	۰/۱۳۷
	پس‌آزمون	۰/۹۳۴	۳۰	۰/۰۶۳

نمره متغیر تفکر هنری گروه آزمایش در پیش‌آزمون $2/82 \pm 1/17$ و در پس‌آزمون $3/46 \pm 1/02$

شده است؛ در حالی که نمره تفکر هنری برای گروه کنترل در پیش‌آزمون $1/14 \pm 2/82$ و در پس‌آزمون $2/79 \pm 1/14$ است.

۵-۲-۱. بررسی و تحلیل بخش اول فرضیه دوم: آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم در بهبود سطح تفکر هنری دانش‌آموزان تاثیر دارد.

الف) بررسی همسانی واریانس‌های خطا

جدول ۱۲- آزمون لون برای سنجش برابری واریانس‌های خطا

متغیر	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری
تفکر هنری	۰/۸۸۸	۱	۵۸	۰/۳۵۰

نتایج آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس‌های خطا نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای متغیر تفکر هنری $0/350$ بوده که از $0/05$ بیشتر و موید همگنی واریانس‌های خطاست. لذا، این پیش‌فرض برقرار است.

ب) همگنی شیب خط رگرسیون

برای بررسی این پیش‌فرض مقدار F تعاملی بین پیش‌آزمون و گروه، محاسبه شده است. چنانچه سطح معناداری بزرگ‌تر از $0/05$ باشد، فرضیه همگنی شیب خط رگرسیون پذیرفته می‌شود.

جدول ۱۳- همگنی شیب خط رگرسیون تفکر هنری

اثر	مجذور مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
مدل تصحیح شده	۷۲/۰۷	۳	۲۴/۰۲	۵۵۳/۷۲	۰/۰۰۰	۰/۹۶۷
اثر ثابت	۲/۴۶	۱	۲/۴۶	۵۶/۶۵	۰/۰۰۰	۰/۵۰۳
گروه	۲/۶۴	۱	۲/۶۴	۶۰/۸۹	۰/۰۰۰	۰/۵۲۱
پیش‌آزمون	۶۵/۴۰	۱	۶۵/۴۰	۱۵۲۰/۹۳	۰/۰۰۰	۰/۹۶۴
گروه پیش‌آزمون	۰/۱۴	۱	۰/۱۴	۳/۲۶	۰/۰۶۸	۰/۱۳۸
خطا	۲/۴۳	۵۶	۰/۰۴			
کل	۶۶۱/۰۶	۶۰				
مدل تصحیح‌شده کلی	۷۴/۵۰	۵۹				

همان‌طور که در جدول (۱۳) ملاحظه می‌شود، سطح معناداری به‌دست آمده برای اثر تعاملی گروه در مقابل پیش‌آزمون برابر $0/068$ بوده که از $0/05$ بیشتر است. بنابراین، فرضیه همگنی شیب خط رگرسیون پذیرفته می‌شود.

ج) آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها

جدول (۱۴) مهم‌ترین جدول برای تفسیر نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره بوده و معنی داری یا عدم معنی داری تاثیر متغیر مستقل (گروه) را نشان می‌دهد. سطح معنی داری متغیر گروه برای تفکر هنری ۰/۰۰۰ گزارش شده است که از ۰/۰۵ کم‌تر بوده و نشان می‌دهد که این متغیر تاثیر معنی داری بر میانگین نمره تفکر هنری دارد. یعنی میانگین نمره تفکر هنری در گروه آزمایش و گروه کنترل در مرحله پس‌آزمون پس از حذف اثرات پیشین، تفاوت معنی داری با هم دارد.

جدول ۱۴- تحلیل کوواریانس و خطی بودن اثر گروه‌های آموزشی

اثر	مجذور مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
مدل تصحیح شده	۷۱/۵۸	۲	۳۵/۷۹	۶۹۸/۹۳	۰/۰۰۰	۰/۹۶۱
اثر ثابت	۲/۵۲	۱	۲/۵۲	۴۹/۱۹	۰/۰۰۰	۰/۴۶۳
پیش‌آزمون	۶۷/۷۸	۱	۶۷/۷۸	۱۲۶۵/۰۷	۰/۰۰۰	۰/۹۵۷
گروه	۶/۸۳	۱	۶/۸۳	۱۳۳/۴۰	۰/۰۰۰	۰/۷۰۱
خطا	۶/۹۲	۵۷	۰/۰۵۱			
کل	۶۶۱/۰۶	۶۰				
مدل تصحیح شده کلی	۷۴/۵۰	۵۹				

در واقع، بخش اول فرضیه فرعی دوم پژوهش مورد تایید قرار گرفته و مشخص شد که آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم در بهبود سطح تفکر هنری آن تاثیر دارد.

۲-۲-۵. بررسی و تحلیل بخش دوم فرضیه فرعی دوم: آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم در بهبود سطح ابعاد تفکر هنری دانش‌آموزان تاثیر دارد.

الف) بررسی پیش‌فرض برابری ماتریس‌های کوواریانس

جدول (۱۵) نتیجه آزمون ام. باکس را نشان می‌دهد. آزمون ام. باکس این فرض صفر را مورد آزمون قرار می‌دهد که ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده متغیر وابسته (ابعاد تفکر هنری) در بین گروه‌های مختلف برابر است.

جدول ۱۵- نتایج آزمون ام باکس برای برابری ماتریس‌های کوواریانس برای ابعاد تفکر هنری

۳۰/۵۲۶	آماره ام باکس
۱/۸۴۶	آماره F
۱۵	درجه آزادی ۱
۱۳۵۴۴/۵۲۶	درجه آزادی ۲
۰/۲۲۴	سطح معنی داری

سطح معنی‌داری آزمون ۰/۲۲۴ گزارش شده که از ۰/۰۵ بیشتر بوده و موید فرضیه صفر مبنی بر برابری ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده متغیر وابسته (ابعاد تفکر هنری) در بین گروه‌های مختلف است. لذا، این پیش‌فرض مورد تایید قرار می‌گیرد.

ب) بررسی معنی‌داری اثر تعاملی متغیرهای مستقل در مدل

در جدول (۱۶) اثر تعاملی متغیر مستقل گروه توسط چهار آزمون اثر پیلای، لامبدای ویلکز، اثر هتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه روی سنجیده شده است. برای متغیر گروه، در هر چهار آزمون انجام شده، سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده که مبین تاثیر معنی‌دار متغیر گروه می‌باشد.

جدول ۱۶- آزمون معنی‌داری اثر تعاملی متغیرهای مستقل در مدل برای ابعاد تفکر هنری

اثر	آزمون	مقدار	آماره F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معنی‌داری	شاخص مجذور اتا
عرض از مبدا	اثر پیلای	۰/۴۰۸	۶/۷۵۶	۵	۴۹	۰/۰۰۰	۰/۴۰۸
	لامبدای ویلکز	۰/۵۹۲	۶/۷۵۶	۵	۴۹	۰/۰۰۰	۰/۴۰۸
	اثر هتلینگ	۰/۶۸۹	۶/۷۵۶	۵	۴۹	۰/۰۰۰	۰/۴۰۸
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۶۸۹	۶/۷۵۶	۵	۴۹	۰/۰۰۰	۰/۴۰۸
	اثر پیلای	۰/۷۲۹	۲۶/۳۱۸	۵	۴۹	۰/۰۰۰	۰/۷۲۹
	لامبدای ویلکز	۰/۲۷۱	۲۶/۳۱۸	۵	۴۹	۰/۰۰۰	۰/۷۲۹
گروه	اثر هتلینگ	۲/۶۸۶	۲۶/۳۱۸	۵	۴۹	۰/۰۰۰	۰/۷۲۹
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۲/۶۸۶	۲۶/۳۱۸	۵	۴۹	۰/۰۰۰	۰/۷۲۹

در واقع، میانگین نمرات ابعاد تفکر هنری در بعد از آزمون (و بعد از حذف اثرات پیشین) برای حداقل یکی از ابعاد تفکر هنری در گروه آزمایش و کنترل، تفاوت معنی‌داری با هم دارند.

ج) بررسی برابری واریانس‌های خطا

جدول ۱۷- آزمون لون برای سنجش برابری واریانس‌های خطا برای ابعاد تفکر هنری

متغیر	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری
دقت هنری	۲/۷۳۷	۱	۵۸	۰/۱۰۳
پرسشگری هنری	۲/۷۷۴	۱	۵۸	۰/۰۸۶
ابراز وجود و نگرش هنری	۲/۱۵۲	۱	۵۸	۰/۱۴۸
بهره‌مندی از تخیل	۳/۱۹۱	۱	۵۸	۰/۰۷۷
نوآوری و خلاقیت هنری	۳/۶۰۶	۱	۵۸	۰/۰۶۳

نتایج آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس‌های خطا مشخص می‌کند که سطح معنی‌داری

برای متغیرهای دقت هنری، پرسشگری هنری، ابراز وجود و نگرش هنری، بهره‌مندی از تخیل و نوآوری و خلاقیت هنری به ترتیب ۰/۱۰۳، ۰/۰۸۶، ۰/۱۴۸، ۰/۰۷۷ و ۰/۰۶۳ بوده که از ۰/۰۵ بیشتر بوده و موید همگنی واریانس‌های خطاست.

د) آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها

جدول (۱۸) مهم‌ترین جدول برای تفسیر نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره بوده و معنی‌داری یا عدم معنی‌داری تاثیر متغیر مستقل (گروه) را نشان می‌دهد.

جدول ۱۸- آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها برای ابعاد تفکر هنری

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مربعات نوع ۳	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری	شاخص مجذور آتا
	دقت هنری	۷۰/۴۵۷	۶	۱۱/۷۴۳	۱۰۱/۹۴۹	۰/۰۰۰	۰/۹۲۰
مدل تصحیح شده	پرسشگری هنری	۷۰/۶۸۳	۶	۱۱/۷۸۰	۹۹/۵۶۰	۰/۰۰۰	۰/۹۱۹
	ابراز وجود و نگرش هنری	۷۶/۶۹۶	۶	۱۲/۷۸۳	۱۴۹/۶۲۵	۰/۰۰۰	۰/۹۴۴
	بهره‌مندی از تخیل	۷۰/۸۷۰	۶	۱۱/۸۱۲	۹۳/۰۱۵	۰/۰۰۰	۰/۹۱۳
	نوآوری و خلاقیت هنری	۷۳/۸۸۱	۶	۱۲/۳۱۴	۲۲۹/۹۰۶	۰/۰۰۰	۰/۹۶۳
عرض از مبدا	دقت هنری	۲/۸۹۶	۱	۲/۸۹۶	۲۵/۱۴۳	۰/۰۰۰	۰/۳۲۲
	پرسشگری هنری	۱/۵۵۸	۱	۱/۵۵۸	۱۳/۱۷۱	۰/۰۰۰	۰/۱۹۹
	ابراز وجود و نگرش هنری	۱/۶۵۵	۱	۱/۶۵۵	۱۹/۳۷۷	۰/۰۰۰	۰/۲۶۸
	بهره‌مندی از تخیل	۱/۷۳۷	۱	۱/۷۳۷	۱۳/۶۸۰	۰/۰۰۰	۰/۲۰۵
	نوآوری و خلاقیت هنری	۱/۰۷۱	۱	۱/۰۷۱	۲۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۲۷۴
گروه	دقت هنری	۱۰/۵۴۱	۱	۱۰/۵۴۱	۹/۵۱۳	۰/۰۰۰	۰/۶۳۳
	پرسشگری هنری	۲/۲۲۴	۱	۲/۲۲۴	۱۸/۷۹۹	۰/۰۰۰	۰/۲۶۲
	ابراز وجود و نگرش هنری	۷/۱۵۹	۱	۷/۱۵۹	۸۳/۷۹۶	۰/۰۰۰	۰/۶۱۳
	بهره‌مندی از تخیل	۳/۸۱۴	۱	۳/۸۱۴	۳۰/۰۳۶	۰/۰۰۰	۰/۳۶۲
	نوآوری و خلاقیت هنری	۴/۲۷۹	۱	۴/۲۷۹	۷۹/۸۸۷	۰/۰۰۰	۰/۶۰۱
	دقت هنری	۶/۱۰۵	۵۳	۰/۱۱۵			
	پرسشگری هنری	۶/۲۷۱	۵۳	۰/۱۱۸			
خطا	ابراز وجود و نگرش هنری	۴/۵۲۸	۵۳	۰/۰۸۵			
	بهره‌مندی از تخیل	۶/۷۳۰	۵۳	۰/۱۲۷			
	نوآوری و خلاقیت هنری	۲/۸۳۹	۵۳	۰/۰۵۴			

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مربعات نوع ۳ آزادی	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری	شاخص مجذور آتا
	دقت هنری	۷۱۱/۹۳۸	۶۰				
	پرسشگری هنری	۶۶۸/۱۱۱	۶۰				
کل	ابراز وجود و نگرش هنری	۶۷۲/۸۰۰	۶۰				
	بهره‌مندی از تخیل	۶۶۶/۶۶۷	۶۰				
	نوآوری و خلاقیت هنری	۶۱۶/۷۲۰	۶۰				

سطح معنی‌داری متغیر گروه برای تمام ابعاد تفکر هنری ۰/۰۰۰ گزارش شده که از ۰/۰۵ کم‌تر بوده و نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمرات این متغیرها در دو گروه مورد نظر وجود دارد. در واقع، بخش دوم فرضیه در مورد ابعاد تفکر هنری مورد تایید قرار گرفته و آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم در بهبود سطح ابعاد تفکر هنری دانش‌آموزان تاثیر دارد.

۳-۵. تحلیل استنباطی فرضیه اصلی: آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم در بهبود سطح خلاقیت و تفکر هنری دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد.

شاخص‌های توصیفی مربوط به خلاقیت هنری و تفکر هنری شامل میانگین و انحراف معیار به تفکیک دو گروه مورد نظر در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول (۱۹) آمده است. نمره متغیر خلاقیت هنری گروه آزمایش در پیش‌آزمون $2/23 \pm 1/65$ و در پس‌آزمون $3/02 \pm 1/08$ است؛ در حالی که نمره خلاقیت هنری برای گروه کنترل در پیش‌آزمون $2/65 \pm 1/19$ و در پس‌آزمون $2/82 \pm 1/17$ است. همچنین نمره متغیر تفکر هنری گروه آزمایش در پیش‌آزمون $3/46 \pm 1/02$ بوده، در حالی که نمره تفکر هنری برای گروه کنترل در پیش‌آزمون $2/82 \pm 1/14$ و در پس‌آزمون $2/79 \pm 1/14$ بدست آمده است.

جدول ۱۹- شاخص‌های توصیفی خلاقیت هنری و تفکر هنری

متغیر	گروه	مرحله	میانگین	انحراف معیار
خلاقیت هنری	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۶۵	۱/۲۳
		پس‌آزمون	۳/۰۲	۱/۰۸
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۶۵	۱/۱۹
		پس‌آزمون	۲/۶۶	۱/۱۶
تفکر هنری	آزمایش	پیش‌آزمون	۲/۸۲	۱/۱۷
		پس‌آزمون	۳/۴۶	۱/۰۲
	کنترل	پیش‌آزمون	۲/۸۲	۱/۱۴
		پس‌آزمون	۲/۷۹	۱/۱۴

به منظور اطمینان از نرمال بودن داده‌های تحقیق، از آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شده که نتایج آن در جدول (۲۰) آمده است. سطح معنی داری آزمون شاپیرو-ویلک برای هر دو گروه در هر دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون از ۰/۰۵ بیشتر بوده که این مطلب موید نرمال بودن داده‌های مربوط به خلاقیت هنری و تفکر هنری در گروه‌های آزمایش و کنترل در دو مرحله مورد نظر می‌باشد.

جدول ۲۰- آزمون شاپیرو-ویلک برای بررسی نرمال بودن خلاقیت هنری و تفکر هنری

گروه	متغیر	زمان	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی داری
آزمایش	خلاقیت هنری	پیش‌آزمون	۰/۹۳۵	۳۰	۰/۰۶۸
		پس‌آزمون	۰/۹۶۰	۳۰	۰/۳۱۰
	تفکر هنری	پیش‌آزمون	۰/۹۵۱	۳۰	۰/۱۷۹
		پس‌آزمون	۰/۹۴۶	۳۰	۰/۱۳۰
کنترل	خلاقیت هنری	پیش‌آزمون	۰/۹۴۵	۳۰	۰/۱۲۲
		پس‌آزمون	۰/۹۴۶	۳۰	۰/۱۱۰
	تفکر هنری	پیش‌آزمون	۰/۹۵۷	۳۰	۰/۲۶۶
		پس‌آزمون	۰/۹۳۷	۳۰	۰/۰۷۸

الف) بررسی پیش فرض برابری ماتریس‌های کوواریانس

جدول (۲۱) نتیجه آزمون ام. باکس را نشان می‌دهد. آزمون ام. باکس این فرض صفر را مورد آزمون قرار می‌دهد که ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده متغیر وابسته (خلاقیت هنری و تفکر هنری) در بین گروه‌های مختلف برابر است. سطح معنی داری آزمون ۰/۰۹۳ بدست آمده که از ۰/۰۵ بیشتر بوده و موید فرضیه صفر مبنی بر برابری ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده متغیر وابسته (خلاقیت هنری و تفکر هنری) در بین گروه‌های مختلف است. لذا، این پیش فرض مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول ۲۱- نتایج آزمون ام باکس برای برابری ماتریس‌های کوواریانس برای خلاقیت هنری و تفکر هنری

۶/۶۶۸	آماره ام باکس
۲/۱۴۰	آماره F
۳	درجه آزادی ۱
۶۰۵۵۲۰	درجه آزادی ۲
۰/۰۹۳	سطح معنی داری

ب) بررسی معنی داری اثر تعاملی متغیرهای مستقل در مدل

در جدول (۲۲) اثر تعاملی متغیر مستقل گروه توسط چهار آزمون اثر پیلای، لامبدای ویلکز،

اثر هتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه روی آمده است. برای متغیر گروه، در هر چهار آزمون انجام شده، سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده که مبین تاثیر معنی‌دار متغیر گروه می‌باشد. در واقع، میانگین نمرات خلاقیت هنری و تفکر هنری در بعد از آزمون (و بعد از حذف اثرات پیشین) برای حداقل یکی از متغیرهای خلاقیت هنری و تفکر هنری در گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری با هم دارند.

جدول ۲۲- آزمون معنی‌داری اثر تعاملی متغیرهای مستقل در مدل برای خلاقیت هنری و تفکر هنری

اثر	آزمون	مقدار	آماره F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معنی‌داری	شاخص مجذور اتا
	اثر پیلای	۰/۲۷۶	۱۰/۴۸۵	۲	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۲۷۶
گروه	عرض لامبدای ویلکز	۰/۷۳۴	۱۰/۴۸۵	۲	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۲۷۶
	از میداء اثر هتلینگ	۰/۳۸۱	۱۰/۴۸۵	۲	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۲۷۶
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۳۸۱	۱۰/۴۸۵	۲	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۲۷۶
	اثر پیلای	۰/۷۰۹	۶۷/۰۱۶	۲	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۷۰۹
	لامبدای ویلکز	۰/۲۹۱	۶۷/۰۱۶	۲	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۷۰۹
	اثر هتلینگ	۲/۴۳۷	۶۷/۰۱۶	۲	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۷۰۹
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۲/۴۳۷	۶۷/۰۱۶	۲	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۷۰۹

ج) بررسی برابری واریانس‌های خطا

جدول ۲۳- آزمون لون برای سنجش برابری واریانس‌های خطا برای خلاقیت هنری و تفکر هنری

متغیر	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری
خلاقیت هنری	۰/۳۳۶	۱	۵۸	۰/۶۵۶
تفکر هنری	۰/۸۸۸	۱	۵۸	۰/۳۵۰

نتایج آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس‌های خطا نشان داد که سطح معنی‌داری برای متغیرهای خلاقیت هنری و تفکر هنری به ترتیب ۰/۶۵۶ و ۰/۳۵۰ بوده که از ۰/۰۵ بیشتر است و موید همگنی واریانس‌های خطاست.

د) آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها

جدول (۲۴) مهم‌ترین جدول برای تفسیر نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره بوده و معنی‌داری یا عدم معنی‌داری تاثیر متغیر مستقل (گروه) را نشان می‌دهد.

جدول ۲۴- آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها برای خلاقیت هنری و تفکر هنری

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مربعات نوع ۳ آزادی	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری	شاخص مجذور اتا
مدل تصحیح شده	خلاقیت هنری	۷۲/۷۷	۳	۲۴/۲۶	۵۵۱/۷۴	۰/۰۰۰	۰/۹۶۷
	تفکر هنری	۷۱/۶۲	۳	۲۳/۸۷	۴۶۳/۵۷	۰/۰۰۰	۰/۹۶۱
عرض از مبدأ	خلاقیت هنری	۰/۴۵	۱	۰/۴۵	۱۰/۱۶	۰/۰۰۰	۰/۱۵۴
	تفکر هنری	۱/۱۰	۱	۱/۱۰	۲۱/۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۷۶
گروه	خلاقیت هنری	۱/۹۹	۱	۱/۹۹	۴۵/۱۸	۰/۰۰۰	۰/۴۴۷
	تفکر هنری	۶/۸۴	۱	۶/۸۴	۱۳۳/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۷۰۳
خطا	خلاقیت هنری	۲/۴۶	۵۶	۰/۰۴۴			
	تفکر هنری	۲/۸۸	۵۶	۰/۰۵۱			
کل	خلاقیت هنری	۵۵۸/۶۰	۶۰				
	تفکر هنری	۶۶۱/۰۶	۶۰				

سطح معنی‌داری متغیر گروه برای خلاقیت هنری، تفکر هنری و برای معنی‌دار بودن ۰/۰۰۰ گزارش شده که از ۰/۰۵ کمتر بوده و نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمرات این متغیرها در دو گروه مورد نظر وجود دارد. در واقع، فرضیه اصلی تحقیق مورد تایید قرار گرفته و آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم در بهبود سطح خلاقیت و تفکر هنری دانش‌آموزان تاثیر دارد.

۶. نتیجه‌گیری

۱-۶. بررسی فرضیه فرعی اول: آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم، در بهبود سطح خلاقیت دانش‌آموزان تاثیر دارد.

نتیجه آزمون فرضیه فرعی اول نشان داد که آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم منجر به بهبود سطح سه بعد از خلاقیت هنری یعنی کنجکاوی و جسارت، الگوبرداری و ایده‌پردازی و نوآوری دانش‌آموزان می‌شود. اما برای بعد تخیل و زیبایی‌شناسی چنین اثری دیده نمی‌شود. این نتیجه با یافته‌های پژوهش حبیبی (۱۴۰۰)، مهدی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، وینتر و هیگز (۲۰۱۴) همسو است. در این ارتباط می‌توان گفت که ذهن دانش‌آموز در ارتباطی عاطفی با شیوه‌ها و محتوای درونی فلسفه همراه و هم‌ذات می‌شود، اگر خلاقیت آن‌ها نتیجه تماس ذهن و ارتباط با فلسفه باشد، آنگاه فلسفه می‌تواند آن‌طور که می‌خواهد بار خویش را در بستری مناسب به مقصد برساند. از طرفی به نظر می‌رسد خلاقیت بدون فلسفه نتیجه‌ای مطلوب نخواهد داشت. تقویت تفکر خلاق بر توانایی تخیل جسورانه و جستجوی عقاید، فرضیه‌ها، دیدگاه‌ها، راه‌حل‌ها و ایده‌های نو متمرکز است و کودکان را قادر می‌سازد برای حل مشکلات و پرسش‌هایشان فقط به دنبال راه‌حل‌های از پیش تعیین

شده نروند، بلکه با در نظر گرفتن چشم‌اندازهای دیگر به راه‌حل‌های جدید دیگر نیز بیندیشند.

۲-۶. بررسی فرعی دوم: آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم در بهبود سطح ابعاد تفکر هنری دانش‌آموزان تاثیر دارد.

نتیجه آزمون فرضیه فرعی دوم نشان داد آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم منجر به بهبود سطح ابعاد تفکر هنری یعنی دقت هنری، پرسشگری هنری، ابراز وجود و نگرش هنری، بهره‌مندی از تخیل، نوآوری و خلاقیت هنری در دانش‌آموزان می‌شود. این نتیجه با یافته‌های پژوهش ایمان‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸)، سردار و همکاران (۱۳۹۶)، ورلی (۲۰۱۶)، اکتاویان (۲۰۱۲) همسو است. در این ارتباط باید گفت، آموزش فلسفه می‌تواند جزءبینی و ترکیب را در دانش‌آموزان تقویت کند، به آن‌ها کمک نماید تا به پرسش‌های عمیقی درباره چرایی‌های اساسی برسند و به هنگام یافتن پاسخ، اعتماد به نفس بالایی پیدا کنند. فلسفه آنقدر عمیق است که بتواند تخیل‌ورزی دانش‌آموز را تحت تاثیر قرار دهد و پای او را از زمین برای پروازی کودکانه جدا کند. در این پروازهاست که نوآوری در هنر و خلق آثار جدید معنا می‌یابد. نگرش‌های هنری هر دانش‌آموز بستگی زیادی به دقت، پرسشگری و تخیل او دارد. لذا، آموزش فلسفه می‌تواند تسهیل‌گر این فرایند باشد. چنین اتفاقی در دروس رسمی تعلیم و تربیت و برنامه‌های درسی مصوب نمی‌افتد.

۳-۶. بررسی فرضیه اصلی: آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم در بهبود سطح تفکر هنری آن دانش‌آموزان تاثیر دارد.

نتایج آزمون فرضیه اصلی نشان داد آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی دوره دوم منجر به بهبود سطح خلاقیت و تفکر هنری دانش‌آموزان می‌شود. این نتیجه با یافته‌های پژوهش حبیبی (۱۴۰۰)، ایمان‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸)، مهدی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، سردار و همکاران (۱۳۹۶)، ورلی (۲۰۱۶)، وینتر و هیگز (۲۰۱۴)، اکتاویان (۲۰۱۲) همسو است. آموزش فلسفه یکی از اصلی‌ترین برنامه‌هایی است که می‌تواند به پرورش خلاقیت در کودکان منجر گردد. این نوع آموزش در پی آن است که امکان بهره‌برداری از این فرصت را نیز متناسب با شرایط مکانی و زمانی فراهم نماید. در واقع هدف اصلی آموزش فلسفه آن است که به جای انباشتن حقایق و عقاید پیشینیان، تقویت اندیشه را در دانش‌آموزان مورد توجه قرار داده و بر توانایی و دستیابی به آگاهی تأکید نماید. اگر بخواهیم دانش‌آموزان دوره ابتدایی را برای چالش‌های آینده آماده کنیم، باید مهارت‌های ویژه‌ای را به آن‌ها بیاموزیم که براساس آن بتوانند بر زندگی و یادگیری خود مسلط شوند؛ زیرا برای یادگیری نباید پابانی در نظر گرفت. آن‌ها به دانش نیازمندند، اما مهم‌تر از آن، به قابلیت کسب دانش جدید نیاز دارند. آن‌ها به دانشی نیاز دارند که خود به دست آورده باشند؛ دانشی که خود تولید یا بازتولید کرده باشند. شالوده

مهارت‌های فکری کودکان باید از همان سال‌های اولیه زندگی شان پی‌ریزی شود؛ زیرا فراخ‌اندیشی در همان سال‌هایی آغاز می‌شود که شخصیت کودک شکل می‌گیرد. آن‌ها باید با نگرشی باز به آینده خود بنگرند، فراخ‌اندیشی باعث می‌شود تا فرد خودمحور نباشد.

منابع

- ایران‌شاهی، مسلم؛ پیرانی، ذبیح؛ رضایی، محمدحاشم؛ سیفی، محمد (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش فلسفه‌ورزی کودکان بر اخلاق شهروندی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان دختر ابتدایی. *پژوهش اعتقادی کلامی*، شماره ۱، ص ۳۰۵-۳۲۳.
- ایمان‌نژاد، معصومه؛ ایمان‌زاده، علی؛ تقی‌پور، کیومرث؛ طهماسب‌زاده شیخ‌لار، داوود (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش فلسفه به نوجوانان بر پرورش باورهای زیبایی‌شناختی و قضاوت‌های اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه به روش حلقه کندوکاو فلسفی. *پژوهش در مسائلی کاربردی تربیت اسلامی*، ۴(۴)، ص ۶۸-۳۷. <https://doi.org/10.29252/qaie.4.4.37>
- حبیبی، سمیه (۱۴۰۰). *آموزش فلسفه برای کودکان*. در: تهران: همایش ملی علوم انسانی و حکمت اسلامی. سردار، حمید؛ خوشبخت، فریبا؛ البرزی، محبوبه؛ کریمی، محمدحسن؛ غروی، فریبا (۱۳۹۶). تاثیر آموزش هنر به روش فلسفه برای کودکان بر تفکر زیبایی‌شناختی و نمره نقاشی دانش‌آموزان ابتدایی. *پژوهش‌های برنامه درسی*، ۱۱(۲)، ص ۱-۱۶. <https://doi.org/10.22099/JCR.2021.6454>
- گوتک، جرال‌الد (۱۳۸۹). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*. ترجمه محمدجعفر پاک سرمت. قم: انتشارات مهر.
- مهدی‌زاده، امیرحسین؛ عراقیه، علیرضا؛ حیدریه، حسین (۱۳۹۷). تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی ناحیه یک آموزش و پرورش بهارستان. *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۸(۳)، ص ۲۲۴-۲۰۱.
- نویدیان، انور؛ واحدی، شهرام؛ فتحی‌آذر، اسکندر؛ بدری‌گرگی، رحیم (۱۳۹۸). تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از داستان‌های بومی در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی. *تدریس پژوهی*، ۷(۳)، ص ۶۸-۵۳. <https://doi.org/10.34785/J012.2019.252>
- یوسفیان‌اهری، پونه؛ عظیمی، محمد؛ رنج‌دوست، شهرام (۱۴۰۰). تحلیل محتوای اسناد بالادستی براساس مؤلفه‌های برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی مبتنی بر هوش معنوی. *پژوهش در مسائلی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۳(۵)، ص ۳۳۴-۳۰۱.
- Fisher, R. (1988). *Teaching thinking: Philosophical enquiry in the classroom*. London: Continuum. <https://doi.org/10.5040/9781350284906>
- Octavian, G. (2012). *The philosophy for Children, an ideal tool to stimulate the thinking skills*. In: 5th International Conference EDU-WORLD 2012 - Education Facing Contemporary World Issues, Romania. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.04.131>
- Venter, E. & Higgs, L.G. (2014). Philosophy for Children in Democratic Classroom. *Journal of Social Science*, 41(1), p. 11-16. <https://doi.org/10.1080/09718923.2014.11893336>
- Worley, P. (2016). Philosophy and children. *The Philosophers Magazine*, no. 72, p. 119-120. <https://doi.org/10.5840/tpm20167261>